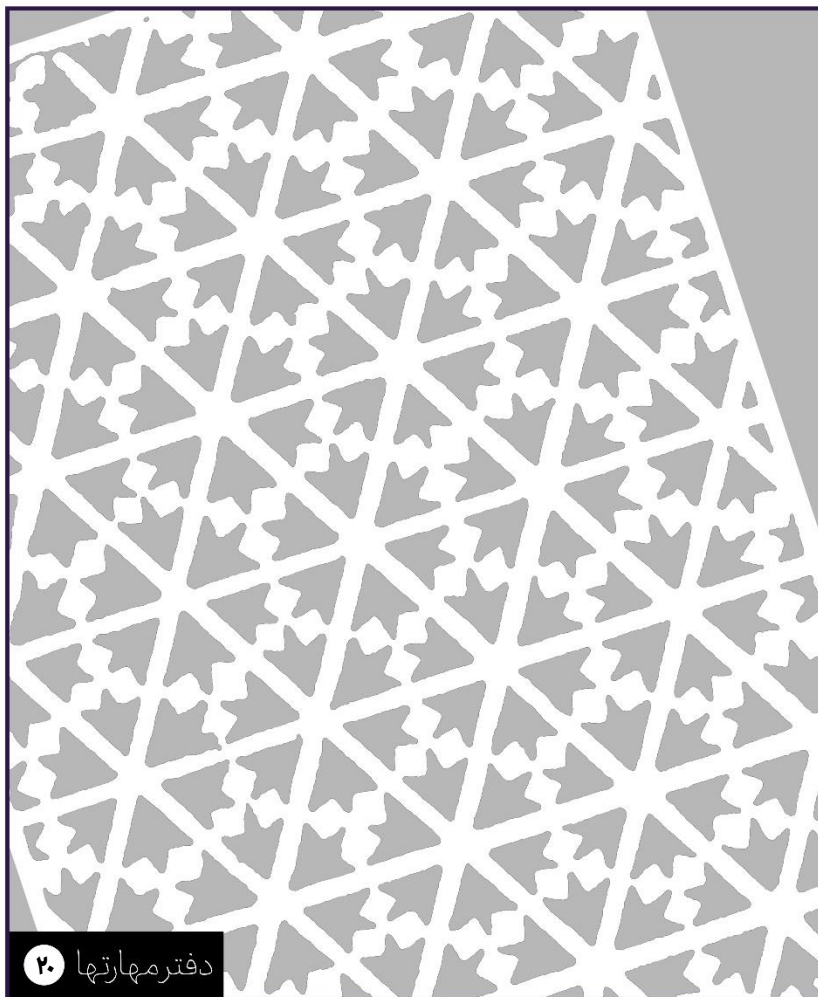




آشنایی با کتب لغت

مدرسه علمیه امراللهی رحمة الله علیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیات

تأثیر علم لغت در تمام علومى که مربوط به معارف هستند، مشهود است. مثلاً در علم رجال، کلمه ثقه، در علم فقه، کلمه زفن که ابهام معنوى اش اختلاف فتوا را به دنبال داشته است «نهى النبى عن الزفن». اهمیت لغت تا حدى است که در برخى روایات، معانى مفردات قرآن آمده است که اختلافى در آن نشود. مثل عبارت فاکهة و أبا. خلیفه دوم این آیه را خواند و پیرزنى از پشت پرده پرسید شما که خلیفه مسلمین و به جای پیامبر هستید این آیه را ترجمه کنید. عمر گفت که نمى دانم. پیرزن گفت بیخود مى کنی که این را نمى دانی و بر کرسی پیامبر تکیه زده ای. عمر ناراحت شد و ظاهراً لگدی هم به آن پیرزن زد. یکى از موارد ۷۰ گانه ای که عمر گفت لولا على لهلك عمر همین مورد است.

پس یا باید به کتب لغت مراجعه کرد یا از روایات فهمید یا اینکه خود انسان لغت شناس باشد و در میان قبایل کار کرده باشد از استعمالات ایشان به دست بیاورد.

تعریف علم لغت: علمی که از معنی و نحوه ی تلفظ کردن مواد کلمات بحث می کند.

هدف علم لغت: شناخت صحیح نحوه ی تلفظ و معانی الفاظ.

نکته: قبائل مختلف عرب در برخی الفاظ با هم اختلاف دارند که منشاء اشتراک و ترادف می شود.

نکته: زمان فصاحت که قابل استناد برای فهم معانی لغات است، تقریباً از دوران قبل از بعثت تا سال ۱۵۰ است.

تقسیم شعراء

۱. شعراء جاهلی: به شعرائی که فقط در جاهلیت شعر سروده اند (امرء القیس). اشعار این دوره اجماعاً قابل استناد است.

۲. مخضرم: شعرائی که در جاهلیت شعر سروده اند و بعد از اسلام هم شعر سروده اند. اشعار این دوره اجماعاً مورد استناد است.

۳. شعرای صدر اسلام: اوائل اسلام تا حدود زمان عباسیان (۱۵۰ قمری). اشعار این دوره بنا بر نظر مشهور قابل استناد است.

۴. مؤلّد {محدث}: از سال ۱۵۰ تا الان. مشهور این‌ها را معتبر نمیدانند.

راه‌های شناخت معانی لغت

۱. کتب تفسیر قرآن

۲. شروح دواوین (دیوان‌ها) و اشعار عرب

۳. شروح احادیث

۴. کتب لغت (مهم‌ترین)

موازین ارزش‌گذاری کتب لغت

۱- مؤلف

۱. حیات مؤلف: اگر قدیمی‌تر باشد و خودش دارای ارتکاز باشد بهتر است.

۲. توانایی علمی بیشتر: گاهی به ظرائف و نکات دقیق توجه نمی‌شود.

۲- کتاب

۱. پشتوانه: مبنای مؤلف در توضیح لغات

(۱) ارتکازی: دریافت‌های شخصی خود را ارائه دهد (العین)

(۲) نقلی: بیشتر از مطالب گذشتگان نقل می‌کند (تاج العروس)

۳) اجتهادی: بر اساس مبنائی خاص در علم لغت تألیف شده است
(مقایس اللغة)

۲. دامنه:

۱) موضوع: ۱. لفظ محور ۲. معنا محور ۳. جامع

۲) تعداد زبان: ۱. تک زبانه ۲. چند زبانه

۳) گستره واژگان: ۱. عمومی ۲. خصوصی {قرآن، اسامی حیوانات و...}

۴) گستره استعمالات: ۱. وضع محور {تفکیک بین حقیقت و مجاز}

۲. استعمال محور {عدم تفکیک حقیقت و مجاز}

۳. کیفیت و روشها (عمق تحلیل و نحوه ی توضیح کلمات)

۱) استغنایی: بدون توضیح رها کردن

۲) مترادفی: با یک کلمه مترادف توضیح دادن

۳) تحلیلی: لغت را به صورت کامل تحلیل می کند:

۱- بیان فرق بین لغات

۲- قیود لطیف دقیق لغت را آوردن

۳-و...

۴.ارائه: نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب و نظم و دسته بندی آن

(۱)ساختار کتاب: تبویب و نظم کتاب که تسهیل در استفاده ی آن دارد. دو شیوه:

۱-معجم موضوعی: بر اساس طبقه بندی معانی تبویب شده.

۲-معجم لفظی: بر اساس طبقه بندی الفاظ تبویب شده.

(۲)نظم داخلی: نحوه ی چینش کلمات

کتاب لغت

۱. **العین (۱۰۱،۱۷۵) خلیل ابن احمد فراهیدی**

نکته: این که کل کتاب را خودش نوشته یا شاگردش (لیث ابن نصر)تکمیل کرده یا اینکه املاء خلیل است و تألیف لیث بوده اختلافی است.

نکته: خلیل اصالتاً از قبیله (ازد) یمن است ولی بزرگ شده بصره است در قبائل و بادیه‌ها گشته و ارتکازات خوبی دارد.

کتابش ارتکازی است و تک زبانه است، ترجمه محور است، عموم الفاظ را آورده، استعمال محور است، استغنایی و ترادفی هم دارد.

روش العین

۱- تقلیب: قلب یعنی دگرگونی. روشی برای جمع‌آوری و تتبع در لغات که به وسیله جابجا کردن حروف به دست می‌آید. خلیل بن احمد فراهیدی شاگردی به نام لیث داشته است. لیث می‌گوید از این قاعده برای شناخت تمام لغات عربی استفاده شده یعنی مثلاً حروف الفبای عربی که ۲۹ حرف هستند را با یکدیگر به صورت مرتب مخلوط می‌کنند. اگر کلمه معنادار و مستعملی به وجود آمد، معنای آن را ثبت می‌کنند ولی اگر جزو کلمات غیرمستعمل بود، کنار گذاشته می‌شود. مثلاً از ترکیب «م» و «ف» دو کلمه پیدا می‌شود: «مف» و «فم» که اولی بی‌معنا و دومی معنادار است. به این ترتیب هیچ کلمه‌ای از لیست خارج نمی‌شود. کلمات حداکثر پنج حرف و حداقل دو حرف خواهند داشت. این یک عملیات بسیار مفصل و زمان‌بر خواهد بود.

۲- تصویت: العین به ترتیب حروف الفبا نیست بلکه به ترتیب مخارج صوتی است. روشی برای ترتیب کتاب خود که با استفاده از صوت حروف و مخارج آنها اعمال می‌شود. از حروف حلقی شروع کرده است تا به حروف شفوی برسد. به همین علت هم با عین شروع کرده است.

او برای چینش کتاب خود تمام کلماتی که در آن حرف «عین» وجود داشته است را در همین بخش آورده است و به ترتیب به سایر حروف و کلمات پرداخته است.

آنچه مشاهدات خارجی نشان می‌دهد این است که حروف حلقی در زبان عربی بیشتر به کار می‌رود بنابراین بیشتر کلمات در همین بخشهای اول بیان شده‌اند.

خلیل بن احمد برای اثبات مطلبش و ترجمه لغات، از شواهد قرآنی استفاده زیادی کرده است که موجب اتقان تحقیق او شده است.

نویسنده فقط به ترجمه لغات اکتفا نکرده است بلکه اگر کلمه‌ای برای قبیله یا گیاه یا شیئی علم شده است هم ذکر کرده است.

ابراهیم سامرای و مخزومی این کتاب را به ترتیب حروف الفبا چاپ کرده‌اند. اسم کتاب را نیز به ترتیب العین تغییر داده‌اند.

۲. المحيط

ابوالقاسم اسماعیل بن عباد معروف به صاحب بن عباد جزو وزرای بسیار مؤمن دیلمیان بوده است. ایشان از شیخ صدوق درخواست می‌کند که کتابی در مورد امام رضا علیه السلام بنویسد که ایشان هم عیون اخبار الرضا را می‌نویسد.

روش

۱- تقلیب

۲- از نظر ترتیب به ترتیب حروف الفبا آورده است.

از شواهد قرآنی هم استفاده کرده است و منابع را ذکر نمی‌کند. بعدها آقای آل یاسین این کتاب را مستند کرد.

۳. الجیم (۱۰۵، ۲۳۰) ابو عمرو شیبانی (اصالتا کوفی، ساکن بغداد)

برای یافتن لغات فصیح به قبائل مهاجرت کرده و از العین ضعیف تر است، استعمال محور است {فقط لغاتی را آورده که شاهد شعری داشته اند} تحلیلی نیست، مترادفی کار کرده و به جز ذکر مثال یا شاهد از شعر چیزی نگفته است.

۴. الغریب المصنف (۱۵۰، ۲۲۴)

ابو عبید قاسم بن سلام (اهل هرات می باشد، ۲۰ ساگی به بغداد مهاجرت کرده است)

زبان مادری وی عربی نبوده و با اهل بادیه هم ارتباطی نداشته است.

کتاب نقلی است شفاهی است، ۱۷۹۷۰ کلمه را جمع کرده

۴. جَمْهَرَةُ اللُّغَةِ (ابن درید ۲۲۳-۳۲۱)

اختلاف نسخ زیاد دارد و اشکالاتی هم دارد که انگار از نساخ است، بصری است با اهل بادیه نبوده، بسیار حافظه ی قوی ای داشته، نقلی و ارتکازی است، تک زبان و استعمال محور، مترادفی است و لغات اقوام مختلف را بیان کرده.

روش

۱- تقلیب

۲- الفبایی

۵. معجم مقایس اللغة (احمد ابن فارسی ۳۵۹ وفات)

مشهور است که قزوینی است و به شهرهای دیگر سفر می کرده اولین کسی بوده که به سبک اجتهادی کتاب نوشته و با توجه کتب قبلی یک معنای اجتهادی ارائه داده است، مترادفی است.

روش

تدویر: ایشان اولین کسی بود که بعد از الخلیل طرح نویی ارائه داد. در این روش حرف اول طبق حروف الفبایی می آید و خودش مبدأ می شود برای نظم الفبایی بعدی. به همین ترتیب حرف دوم مبدأ برای نظام الفبایی سوم می شود. هر حرف نقطه آغاز حرکت دایره می شود. «کمد» در این نظام بر «کَتَب» مقدم است؛ چون بعد از کاف، میم زودتر می رسد تا حروف الفبا تمام شود و مجدد از ابتدا شروع می شود و به تاء می رسد.

در بسیاری از اوقات مقایس ریشه های چند لغت را به یک معنا برمی گرداند. در عصر معاصر استاد مصطفوی در کتاب التحقيق شبیه این کار را انجام داده است.

نحت: تراشیدن. در این کتاب طبق همان مبنایی که اساس لغت عربی را از ۲ تا ۵ حرفی دانسته است می‌گوید اساساً کلماتی که ۴ حرف به بالا هستند احتمال زیاد لغت اصلی نیستند. اولین جایی که این بحث نحت یا منحوت را مطرح کرده است، وقتی است که به اولین کلمه ۴ حرفی رسیده است.

منابع مقایس اللغة

احمد بن فارس می‌گوید من از این کتب استفاده کرده‌ام و سایر کتب لغت از این کتب استفاده کرده‌اند.

۱. العین

۲. جمهرة اللغة

۳. اصلاح المنطق/ ابن سکیت (شیعه بود و متوکل در یک جلسه بزرگ او را صدا

زد. وزیر به متوکل گفت از ابن سکیت پرس که حسنین را بیشتر دوست داری

یا دو بچه من را؟ ابن سکیت یعنی فرزند سکوت و واقعا هم بسیار ساکت بود و

در جواب گفت: بچه‌های تو خاک پای قنبر علی بن ابیطالب هم نیستند چه

برسد به حسنین علیهما السلام. متوکل هم زبان او را از پشت سر خارج ساخت.

متوکل از دشمن‌ترین خلفای عباسی بود با امام حسین علیه السلام. ۱۸ بار قصد کرد

حرم سید الشهداء علیه السلام را تخریب کند ولی نتوانست.

۴. المصنف الغریب

۵. غریب الحدیث ابن کثیر (کلمات سخت موجود در روایات و احادیث)

۶. تهذیب اللغة (ابو منصور ازهری ۳۷۰ وفات)

یکی از مورد اطمینان ترین کتب لغت است، ۲۰ سال در میان بادیه نشین ها دور زده است. اصالة هروی {هراتی} است، از العین زیاد نقل می کند به اسم لیث توجه به آیات و روایات داشته، مترادفی تحلیلی، نقلی ارتکازی است.

۷. صحاح اللغة (جوهری ۳۹۳ وفات)

مقبول نزد اهل فن و کتاب درسی بوده و کلمات صحیح از غیر صحیح را امتیاز داده است.

ویژگی های کتاب

- ۱- روش قافیه ای: ترتیب این کتاب به ترتیب حرف آخر کلمات است. همان طور که در هر بیت قافیه آخر است، حرف آخر را ملاک قرار می دهند.
- ۲- معرفی لغات معرَّب: این کار را کتب دیگر نکرده اند. لغاتی که در اصل عربی نبوده اند و به زبان عربی وارد شده اند. مثلاً ساروج که یکی از مصالح ساختمانی است و در زبان فارسی استعمال می شده و اصلاً در عربی ریشه ندارد ولی الان به کار می رود.

۳- به دلیل بسیار مهم بودن این کتاب، نقدهای زیادی بر آن وارد شده و کتب متعددی نوشته شده است. ۲۵ کتاب در نقد یا تکمیل این معجم ذکر شده است.

برخی کلمات را به شکل ناصحیح شنیده است لذا آن را به عنوان لغات اشتباه آورده است. مثلاً کلمه «دبدب» را آورده و معنای «دمدم» را برای آن ذکر کرده و به اشتباه بودن آن اشاره نموده است.

مختار الصحاح خلاصه همین کتاب است و برای مبتدئین خوب است.

۸. مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی ۴۲۵ وفات)

در آثار علامه طباطبایی رجوع به ایشان کم نیست، اجتهادی تحلیلی است.

۹. اساسی البلاغه (زمخشری ۵۳۸ وفات)

در علوم ادبی تفسیری تبحر داشته، اجتهادی ارتکازی است، وضع محور. زمخشری آن را نوشته است. او هم در این کتاب هم در کشف مباحث لغوی را مطرح کرده است. کتاب دیگری هم به نام الفائق فی غریب الحدیث است که الفاظ سخت روایات را بررسی کرده است. روش آن هم الفبایی است.

۱۰. الفائق فی غریب الحدیث (زمخشری)

لغات مشکل حدیث را مورد بررسی قرار داده.

۱۱. لسان العرب (ابن منظور ۷۱۱ وفات)

اثر ابن منظور در قرن ششم است. این کتاب در مباحث فقهی بسیار به آن ارجاع داده شده است. شافعی مذهب و علاقمند به اهل بیت علیهم السلام است.

مزایای این کتاب

- ۱- جامعیت؛
 - ۲- تفسیر حروف مقطعه را ذکر کرده است.
 - ۳- لغات جغرافیایی و منطقه‌ای و گل و گیاه را هم اضافه کرده است.
- یکی از نقدهایی که به این کتاب وارد است این است که منابعش را ذکر نکرده است و به حافظه خودش تکیه کرده است.

۱۲. القاموس المحيط (فیروز آبادی ۸۱۷ وفات)

فیروزآبادی نگارنده است. در قرن ۸ زندگی می‌کرده است. از کتب لغت مشهور بین شیعه و سنی است. در پنج جلد نوشته شده است. ایشان ۱۵ سال در مکه لغت تدریس می‌کرده. اعلام اشخاص و اماکن را هم ذکر کرده است. بیش از ۲۰۰۰ لغت را ذکر کرده است.

۱۳. مجمع البحرين (فخر الدین صریحی ۱۰۸۷ وفات)

آیات و روایات را به عنوان شاهد لغوی آورده.

۱۴. تاج العروس (تاج المعاجم) (مرتضی زبیدی ۱۲۰۵)

{متولد هند} شرح قاموس است. یکی از پر نفع ترین کتب است که خیلی از مطالب را در خود جای داده. سید محمد مرتضی حسینی زبیدی. زبید از اماکن یمن است. لغات اصیل عرب را از آنجا جمع آوری کرده است. شواهد شعری در آن کتاب بسیار است. معانی اصلی و مجازی را تفکیک کرده است.

۱۵. التحقيق (آیت الله مصطفوی ۱۳۸۴) (هجری شمسی) وفات)

تحلیلی است و همه ی معانی را به یک معنا یا دو معنا برمیگردانند

۱۶. محیط المحيط

نویسنده آن بسطامی است. جزو کتب منبع نیست ولی تحقیق بسیار ارزنده ای است و اطلاعات مهمی دارد. به این کتاب دائرة المعارف لغت گفته می شود. او بر کتب لغات احاطه و تسلط داشته است و این کتاب را نوشته است.

۱۷. فقه اللغة (ثعالبی ۴۲۹ وفات)

بیشتر ترادفی است

۱۸. المخصص (ابن سیده ۴۵۸ وفات)

۱۹. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر (ابن اثیر ۶۰۶)

۲۰. العباب الذاکر و الایاب الفاخر (صاغانی ۶۵۰)

بسیار جامع است.

۲۱. المصباح المنیر (فیومی ۷۷۰)

راحت قابل استفاده است

۲۲. الطراز الاول (سید علی خان مدنی کبیر ۱۱۱۸ وفات)

وضع محور

۲۳. اغرب الموارد (سعید شرتونی ۱۳۲۱ وفات)

از کتب دست دوم و سوم است. اسم مکانهای جغرافیایی و ... حذف کرده است.

۲۴. المنجد فی اللغة (لؤیس معلوف {مسیحی لبنانی} ۱۳۶۵)

یک نویسنده مسیحی آن را نوشته است و به پول ایشان منتشر شده است. اما خوش بیان است. سید محسن حکیم گفته بوده است که اگر کسی لغاتش را از این کتاب ببیند، شهریه اش را باید قطع کرد.

۲۵. معجم فقه لغة القرآن و سر بلاغة

۲۶. المعجم الوسیط

ابراهیم مصطفی، احمد حسن زیات، حامد عبدالقادر و محمد علی نجار نگارندگان این کتاب هستند. با روش الفبایی نوشته شده است.

نسبت به کتب قدیمی دارای نظم مثال زدنی است. به عنوان اولین کتابی که طلاب به آن مراجعه کنند، توصیه می‌شود. هم به واژگان قدیمی و ضرب‌المثل‌ها توجه داشته هم به واژگان معاصر و حتی برخی واژگان اجنبی را در خود جای داده است.

نکته مهم در مورد این کتاب این است که بیش از ۳۰ هزار واژه در این کتاب جمع آوری شده است.

اصطلاحات رایج در کتب لغت

در این بخش به اصطلاحات رایج موجود در کتب لغت مرسوم و مورد استفاده عموم طلاب می‌پردازیم:

مختار الصحاح

مؤلف در خطبه آغازین کتاب چنین آورده است:

ابواب افعال ثلاثی منحصر در این شش باب است:

۱. فَعَلَ يَفْعُلُ: نصرینصر نصرًا، دخل يدخل دخولا، كتب يكتب كتابة، رد یرد ردا، قال يقول قولًا، عدا يعدو عدواً، سما یسمو سُمُوًا.

۲. فَعَلَ يَفْعَلُ: ضرب يضرب ضربا، جلس يجلس جلوسا، باع يبيع بيعا، وعد يعد وعدا، رمى يرمى رميا.

۳. فَعَلَ يَفْعَلُ: قطع يقطع قطعاً، خضع يخضع خضوعاً.

۴. فَعَلَ يَفْعَلُ: طرب يطرب طرباً، فهم يفهم فهماً، سلم يسلم سلامة، صدی یصدی صدی.

۵. فَعَلَ يَفْعَلُ: ظرف يظرف ظرافة، سهل يسهل سهولة.

۶. فَعَلَ يَفْعَلُ: چون وزن کم کاربردی است هر جا چنین ماده‌ای وجود داشت، بر وزن آن تصریح خواهد شد.

- هر گاه وزن ماضی ماده‌ای فَعَلَ بود و به طور مطلق ذکر شد و به وزن مضارع آن تصریح نشد، اصل بر این است که مضارعش يَفْعَلُ باشد. فَعَلَ هم که مضارعی غیر از يَفْعَلُ ندارد. اگر غیر از این باشد، لازم است که به آن تصریح کنیم.

- هر گاه وزن مضارع ماده‌ای يَفْعَلُ یا يَفْعِلُ بود و به طور مطلق ذکر شد و به وزن ماضی آن تصریح نشد، اصل بر این است که ماضی آن فَعَلَ باشد.

- وزن مصدر افعال ثلاثی مزیدی که ذکر نشده است، «إفعال» است.

- افعال با ضمیر غایب می‌آیند تا اختصار مراعات شود مگر جایی که فعل لازم و

متعدی با هم اشتباه شوند. مانند «ذهب»

- البته در جایی که ماده فعل ناقص واوی یا یایی باشد، به همراه ضمیر متکلم مانند «غزوت و رمیت» ذکر می شود تا ماده فعل مشخص شده و بتوان از آن فعل مضارع ساخت.
- وقتی ماده فعل مضاعف باشد نیز به ضمیر متکلم نسبت داده می شود تا حرکت عین الفعل معلوم باشد و بالطبع آن باب آن مانند «صَدَدْتُ و مِسْتُ».
- گاهی اوقات بخاطر شناخته شدن باب فعل و لازم یا متعدی بودن (متعدی بنفسه یا بحرف جر بودن) آن، فعل ماضی آن نیز ذکر می شود.
- در غیر از باب ثلاثی مجرد نیز با توجه به مشخص بودن وزن ماضی و مضارع و مصدر، به آن ها تصریح نکرده ایم مگر اینکه خارج از قاعده باشد.
- اوزان اسماء یا مشخص اند یا اینکه ما یک کلمه مشهور را ذکر می کنیم و یا اینکه به وزن آن تصریح می کنیم.

معجم الوسیط

پس از بیان ریشه کلمات، ترتیب بیان مشتقات آن به این شکل است:

- ۱- افعال بر اسماء مقدم هستند
- ۲- افعال مجرد بر افعال مزید مقدم هستند
- ۳- معانی حسی بر معانی عقلی و معانی حقیقی بر معانی مجازی مقدم هستند
- ۴- افعال لازم بر افعال متعدی مقدم هستند.

در مقدمه معجم الوسیط رموز به کار رفته در آن را چنین ذکر نموده است:

- ج؛ بیان جمع
- ُ؛ بیان حرکت عین الفعل مضارع
- و-؛ دلالت بر تکرار کلمه برای معنای جدید
- مو؛ کلمه‌ای که قدیمی است ولی بعد عصر روایت استعمال شده است.
- مع؛ کلمه معرب؛ یعنی کلمه‌ای که از زبان دیگر وارد زبان عربی شده است و دچار تغییراتی مانند نقص یا زیاده یا جابجایی شده است
- د؛ کلمه بیگانه؛ یعنی کلمه‌ای که از زبان دیگر وارد زبان عربی شده است و تغییری نکرده است مانند اکسیجن و تلفون
- مح؛ الفاظی که خود «مجمع اللغة العربية»^۱ ساخته‌اند.
- محدثة؛ کلماتی که در عصر جدید تولید و به کار می‌روند.

^۱ همان فرهنگستانی که معجم الوسیط را تدوین نموده است.

وأما الرموز التي استعملتها اللجنة في هذا المعجم ، فهي :

١ - (ج) : لبيان الجمع .

٢ - (ز) : لبيان ضبط عين المضارع بالحركة التي توضع فوقها أو تحتها .

٣ - (و-) : للدلالة على تكرار الكلمة لمعنى جديد .

٤ - (مو) : للموّلّد ، وهو اللفظ الذي استعمله الناس قديماً بعد عصر الرواية .

٥ - (مع) : للمعرب ، وهو اللفظ الأجنبيّ الذي غيره العرب بالنقص ، أو الزيادة ، أو القلب .

٦ - (د) : للدخيل ، وهو اللفظ الأجنبيّ الذي دخل العربية دون تغيير ، كالأكسجين ، والتلفون .

٧ - (مج) : للفظ الذي أقرّه «مجمع اللغة العربية» .

٨ - (محدثة) : للفظ الذي استعمله المحدثون في العصر الحديث ، وشاع في لغة الحياة العامة .



احراز مسند افتا و تربیت انسانهای صالح برای افتا،
تربیت مدرّس،
انجام تحقیقات برای پیشرفتهای علمی،
مسأله‌ی قضا در جامعه
و مسأله‌ی تبلیغ؛
این پنج مأموریت، کاری است که دم دست است.
البته حوزه کارهای دیگر هم دارد و خیل از کارهای
مهم را میتواند و باید انجام بدهد؛ ولی این پنج
مأموریت، دم دسته و حتمی است.

۱۳۶۹/۱۱/۰۴ دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم

مدرسه علمیه امرالهی^(ه)

قم - بلوار شهید آیت الله صدوق رحمته علیه کوچه ۲۱/۱

www.meamr.ir | @meamr

۳۲۹۴۴۸۵۷ - ۳۲۹۰۳۴۲۳